

بجای کند چنانچه تقریر رفت و حدت بغیر جمع نکرده پس مرا سینه
 مودی بیضا در مزاج علامه شود و لهذا گفته اند الملک یقی مع الکفر
 و لا یقی مع الظلم و حکما گفته اند که دولت را بدو چیز میتوان کرد
 داشت یکی به تالیف و اتحاد میان موافقان و دیگری بنا بر نعت
 و اختلاف میان دشمنان چه هر گاه که دشمنان بهم دیگر مشغول
 باشند ایشانرا فراغت نصیب دیگری نباشد و از جهت همین
 اسکندر بر مملکت دارا غلبه کرد و شکر عجم بعبادت و عد و بیباکی
 بودند اندیشه نمود که اگر ایشانرا میکند از بسبب اتفاق نشاء
 و دفع ایشان معتذر باشد و اگر ایشانرا استیصال نیاید از
 قاعده ملت و مروت نباشد و با حکیم از سطا طایر مشاوت
 کرد حکیم گفت ایشانرا مستغرق ساز و هر یک را حکومت ایالت
 موضعی رجوع نماید تا بهمد دیگر مشغول باشند و توارش ایشان
 این باشدی اسکندر ایشانرا ملوک طوایف ساخت و از آن
 وقت تا عهد اردشیر با بجان ایشانرا اتفاق که بسبب آن
 ظهوری توانند کرد میسر نشد و باید که اصناف خلق را بیکدیگر

مکالمه

مکالمه در اندک تا اعتدال تمدن حاصل شود و همچنین که اعتدال مزاج
 از آن دو لوح عناصر اربعه بیکافوز ایشان حاصل شود و بهم
 اعتدال مزاج تمدن بیکافوز چهار صنف تصور شود اول اهل علم
 چون علما و فقها و قضات و کتاب و حساب و مهندسان
 و بهنجان و اطبا و شعرا که توأم دین و دنیا بسایع اقدام اقلان
 لطایف اعلام ایشان منوط و مر بوط است و ایشان بمنزله
 اب اند در میان عناصر و همانا مناسبتی که میان اهل علم و آ
 نزد اهل بصیرت نافذ از اب روشنیتر بلکه از انبساط لایح تر
 تواند بود و دوم اهل شمشیر چون ایران و مجاهدان و حارسان
 قلاع و شعور که نظام مصالح انام فی ابد شدت متبع صوت شعار
 کین که از ایشان صورت زنده و مواد فساد اهل نبی و فساد
 بیانش قهر صاعقه آثار ایشان انخلال و اضلال پذیرد و ایشان
 بمنزله آتش اند و در مناسبت از آن مشرق تر که بدلیل احتیاج
 اقتضا آتش را بچراغ طلبیدن کار اولوالابصار نیست سیوم
 اهل معاطل چون تجار و اصحاب بضاعت و ارباب حرفه و صناعات

Copyrighted by King Fahd University